

# پست مدرنیسم در شهرسازی

دکتر حسین حاتمی نژاد

عضوهیات علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران

محمدحسین جانبانزاد

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

## چکیده

پست مدرنیسم رافراگیرترین ویژگی مدرنیسم می‌داند که مشخصه آن تقلید ترکیبی (Pastiche) است. لحظه پست مدرن زمانی فرامی‌رسد که آوانگارد (مدرن) دیگر قادر به ادامه دادن و پیشروی نبوده و نمی‌تواند گامی فراتر به سمت جلو بردارد. پاسخ پست مدرن به مدرن متضمن تصدیق این نکته است که گذشته باید به تجدیدنظر یا بازنگری در خود اقدام کند زیرا گذشته واقعا نمی‌تواند نابود شود به دلیل آن که نابودی گذشته به سکوت و خاموشی می‌انجامد. پست مدرن بیانگر نوعی جدید از بحران در خود فرهنگ مدرنیستی است. بحرانی که به وجه پراکنده، تجزیه‌شونده، زودگذر، آشفته و بی‌نظمی در فرمول بندی مورد نظر بود. دل‌تأکید دارد و وضعیت پست مدرن بارشد شهرها به ویژه با روند چشمگیر شهرنشینی و مهاجرت به سوی شهرهای بزرگ در چند دهه اخیر پیوند نزدیکی دارد اما این رشد شهرها فراتر از چیزی بود که لوکوربوزیه و ماکس وبر برای گروه‌های مستمدن و عقلانی در نظر داشتند. در کل مدرنیسم و پست مدرنیسم در عرصه‌های گوناگون ادبیات، هنر، معماری، جامعه‌شناسی شهر، نظریه اجتماعی و شهرسازی جریان‌های اثرگذار داشته‌اند و هنوز هم نفوذ این دورویکر در این عرصه‌ها دیده می‌شود. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده سعی شده تا حد امکان به مفاهیم و مشخصات مدرنیسم و پست مدرنیسم در عرصه شهرسازی پرداخته شود و تفاوت‌های بین آنها و اثراتی که هر کدام به ویژه پست مدرنیسم در حوزه‌های مختلف شهری اعم از فیزیکی و غیر فیزیکی داشته‌اند بررسی شود.

**واژه‌های کلیدی:** مدرنیسم، پست مدرنیسم، شهر، شهرسازی.

## مقدمه

در دهه‌های اخیر جنبش‌ها و مکاتب زیادی در عرصه‌های معماری و شهرسازی پیدا شده‌اند که غالباً در دیدگاه‌های مختلف فلسفی دارند و شناخت آنها بسیار ضروری است. از جمله این مکاتب‌ها، مکاتب مدرنیسم و پست مدرنیسم است و سبک شهرسازی و معماری متأثر از مکاتب‌های مدرن و پست مدرن از جمله مهمترین و فراگیرترین جنبش‌هایی است که در سالهای اخیر وسعت یافته و اغلب معماران و شهرسازان حتی الامکان نگاهی بدان دارند. دوره مدرن که به نظر می‌رسد برای همیشه پایدار بماند به تندی جزئی از گذشته می‌شود. مرحله صنعتی به سرعت جای خویش را به دوره فراصنعتی می‌دهد و در هنرها سنت نوبه ترکیبی از سنت‌های بسیار می‌انجامد و شهرسازی جدید به سبب آثار نامطلوب محیطی آن توسط مردم مورد حمله قرار می‌گرفت و انتقادهای شدیدی نیز در ادبیات شهرسازی در مورد فرضیات غیر واقعی مدل تصمیم‌گیری منطقی مطرح می‌گردد. در

شهرها میراث مدرنیسم یعنی برج‌های شیشه‌ای، بلوکهای موزون و قطعاً فولادی که در شهرهای نظیر پاریس، توکیو، مونترال و ریودوژانیرو تسلط داشت، بتدریج تغییر یافت بدین سان سبک معماری از نظر دیوید هاروی در زمان پست مدرنیسم در پاره‌ای از موارد بصورت تزئین و تقلیدی از میدان قرون وسطی و دهکده‌های ماهیگیری در می‌آید. پست مدرن در سال ۱۹۷۲ با مرگ ناگهانی عصر مدرن در معماری پا به عرصه وجود گذاشت و در دوران طفولیت خود جریانی رادیکالی و انتقادی داشت و بعد از مدتی در معماری تیم تن، جین یا کوبز، رابرت و نتوری حملات خود را علیه معماری مدرن به خاطر نخچه‌گرایی آن نابودسازی شهرها و بوروکراسی و زبان ساده آغاز کرد و همزمان با رشد و گسترش سنت‌ها و قدرتمند شدن آنها و تغییر و تحول در آنها و ابداع واژه پست مدرنیسم به عنوان تعبیری در اطلاق به انواع جریانات به تدریج این جنبش‌های رادیکالی و انتقادی دوران طفولیت خود را از دست داد و به سمت محافظه‌کاری هرچه بیشتر سوق یافت و در نهایت به صورت جریانی عقلانی و آکادمیک درآمد.

## مدرنیسم و پست مدرنیسم

مدرنیسم را می‌توان به دوره‌ای اطلاق کرد که در آن آرمان‌های بورژوازی، جهان‌اندیشی، علم باوری، کل‌گرایی، فراروایت‌ها، سلسله مراتب و نظامی‌گری حوزه‌های گسترده‌ای را در جهان تشکیل می‌داد. (زیاری، ۱۳۸۳: ۴۱)

مدرنیسم و مدرنیته را می‌توان مجموعه‌ای فرهنگ و تمدن اروپایی از رنسانس به این سو دانست یا آن را امروزگی (امروزی شدن) یا نوآوری و تجدید نامید. (احمدی، ۱۳۷۳: ۲)

مدرنیته، نوشدن، تجدد، تجدیدگرایی، نواندیشی، نوین‌گرایی و دوره جدید. جهان امروز در مقابل دنیای کهن بعد از پایان قرون وسطی که انسان به عنوان تمام ارزش‌ها قرار گرفت مطرح گردید و از زمانی که توجه به ذهن و تفکر عقلی بنای ارزیابی پدیده‌ای جهان مطرح شد ایدئولوژی مدرنیسم و جهان مدرن شکل گرفت. مدرنیسم که از اوایل دهه دوم قرن بیستم با بسط فناوری و علم‌گرایی گسترش چشمگیری پیدا کرد بلافاصله کلیه زمینه‌های فعالیت انسانی را فرا گرفت و از صنعت به معماری و از معماری به هنر و از همه اینها به شهرسازی رسوخ پیدا کرد. (شعاعی، پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۷۲)

سه اصل محوری در مدرنیسم جایگاهی اختصاصی دارند بطوری که



جدول ۱: از مدرنیته به پست مدرنیته

مجموعه نهادین مدرنیته	انواع جنبش‌های اجتماعی	اهداف نظم نوین	عناصر نهادین فراسوی مدرنیته
سرمایه‌داری	کارگری	سازمانهای اقتصادی سوسیالیزه شده	نظام مابعد کیمیایی
صنعت‌گرایی	بوم‌شناختی (ضدفرهنگی)	نظام مراقبت سیاره‌ای	انسانی کردن تکنولوژی
قدرت‌اجرایی	حقوق مدنی و حقوق بشر	نظام جهانی هماهنگ شده	مشارکت دموکراتیک
قدرت نظامی	صلح	استعلائی جنگ	افول نظامی‌گری

(نوذری، ۱۳۷۸: ۲۵۹)

شهری از این مکتب به دلیل یکنواختی و بی‌هویتی کالبدی آن انتقاد کرد اما بزرگترین نقاد مکتب مدرنیسم «چارلز جنکس» است که مدرنیسم را به دلیل تک‌طرفیتی و تهی بودن از سطوح معنایی با مفاهیم ماورای طبیعی مورد سرزنش قرار داده و به جای مدرنیسم ترکیبی از عناصر جدید و سنتی را با مفاهیم هنر بومی و هنر متعالی در ساخت و سازهای شهری پیشنهاد می‌کند که با چنین روندی مکتب فرامدرنیسم پا به عرصه وجود گذاشت. (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۲، ۱۳)

### پست مدرن

اما مفهوم پست مدرن چیست؟ پست مدرن اصولاً تلفیق‌گزینشی هر سنت با سیاق پیش از خودش می‌باشد. هم ادامه مدرنیسم است و هم فراتر از آن رفتن که از این دیدگاه پست مدرن بیشتر لیت مدرن محسوب می‌شود که ادامه مدرنیسم در شکل متعالی آن است و مفهوم پست مدرن را اولین بار نویسنده اسپانیایی، فدریکودی انیس در سال ۱۹۳۴ در اثرش بکار برد و از آن در تشریح واکنش نسبت به مدرنیسم که برخاسته از خود آن بود استفاده نمود. (جنکز، ۱۳۷۴: ۱۰، ۱۲)

جنکز پسامدرن را کدگذاری مضاعف تعریف می‌کند که ترکیب فنون مدرن با چیزی دیگر (معمولاً اجزای سنتی) به قصد معماری ارتباط با عموم و اقلیت مورد نظر که معمولاً از معماران دیگر تشکیل می‌شود. (کالینکوس، ۱۳۸۲: ۱۲)

مفهوم پست مدرن ابتداء در عرصه معماری سر برآورده ولی از همان

تمدن‌های معاصر از طریق این سه اصل با پروژه روشنگری مرتبط هستند. این سه اصل عبارتند از شناخت و دانش علمی (حقیقت)، زیبایی‌شناسی (فلسفه هنر، زیبایی) و اخلاقیات (خیر). (نوذری، ۱۳۷۸: ۲۱۶)

مدرنیسم تأثیرات بنیادی زیادی در حوزه‌های اجتماعی، سیاست، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی - فضایی جهان داشته که در حوزه‌های کالبدی - فضایی به توسعه کلان شهرها، ایجاد مگالوپلیس‌ها، تحول در شبکه شهری از بین رفتن فاصله زمانی و مکانی و پیدایش شهرهای الکترونیکی، تغییر در الگوی زیست رابه وجود آورد. (زیاری، ۱۳۸۳: ۳۹ و ۴۰)

جنبش مدرنیسم می‌خواست برای بشریت زندگی آرام و پراز سعادت را به ارمغان آورد هرچند در زمینه‌هایی موفق بوده ولی در عمل با یک سری بحرانهایی از قبیل بیکاری، افزایش فاصله طبقاتی، نژادپرستی و بحرانهای زیست محیطی مواجه شد و مورد نقد نقادان قرار گرفت چون مدرنیته از شکل یک جریان فکری و فرهنگی نویدبخش و بستری برای ظهور اندیشه‌ها و تفکرات رهایی بخش در خدمت انسانها به صورت یک نظام سیاسی - اجتماعی و یک فورماسیون یا صورت‌بندی اقتصادی فرهنگی درآمده است که راهکارها، کارکردها، مکانیسم و ابزارهای خاص خود را دارا است و به تعبیر بهتر در شکل جزمیت و دکمای مدرنیسم سر برآورده است به طوری که پویایی - تحرک و دینامیسم درونی و بالقوه خود را از دست دادند. (نوذری، ۱۳۷۸: ۷)

برنامه‌ریزان شهری نخستین کسانی بودند که مکتب مدرنیسم را مورد نقد و انتقاد قرار دادند. «وان‌آیک» با طرح مباحث مردم‌شناسی و طراحی

نچوری و ادبیات امبرتواکو مجموعاً شهرسازی فراتجدد را تشکیل می‌دهند و ویژگی پست مدرنیسم ناشی از تلاش آنها در جهت شناخت مقطعی از سبکها است و براین اساس به دنبال یک پراکنده‌گرایی اساسی در رموز چند وجهی است. (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۲۳، ۱۲۲)

پنج مبنای پست مدرنیسم عبارتند از فهم هرمونیتیکی، تأکید بر زبان، ردحقیقت، نشانه‌شناسی، گفت‌وگو و تبارشناسی. (شفیعی، ۱۳۷۹: ۷۰)

بی‌شک انگیزه اصلی معماری و شهرسازی پست مدرن شکست اجتماعی معماری مدرن بوده است. عصر پست مدرن عصر فراصنعتی، مابعدصنعتی، عصر دورسنجی و عصر فرانوگرایی است و شهرسازی پست مدرن مشوق حرکت پیاده و تا حدودی کنترل خودروها در فضای شهر هستند. به طور کلی شهرسازی پست مدرن با آموزه‌های اصلی شهرسازی مدرن یعنی مهندسی اجتماعی، قطعیت، پیش‌بینی‌پذیری و تعمیم به مخالفت برخاست و در عوض به منطقه‌گرایی انتقادی، اصالت بخشی، تنوع، برنامه‌ریزی موضوعی و موردی و محلی‌گرایی روی آورد. (زویاری، ۱۳۸۳: ۴۵) زمینه‌گرایی نیز تا حدودی توانسته است به ایجاد یک شهرسازی معنی‌دار برای افراد بیشتر یعنی شهرسازی مردمی کمک کند. توجه به زمینه در طراحی در حقیقت پادزهر به تأکید است که متجددین بر عنصر معماری و بی‌اعتنایی به محل طراحی داشتند. منطقه‌گرایی نیز مفهومی است که تا حدودی از ادعای جهانی شدن تجدد کاسته و امکان تأکید بر تفاوت‌های منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. در زمینه مسکن نیز شهرسازی فراتجدد امتیازاتی را در مقابل تجدد عرضه کرده است. (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۳۴)

در کل تفاوت‌ها و بررسی مقایسه‌ای شهرسازی مدرن و پست مدرن بدین شرح است. (شفیعی، ۱۳۷۹: ۷۲)

### جدول ۲: تفاوت‌های بین مدرنیسم و پست مدرنیسم

پست مدرنیسم	مدرنیسم
۱- تاریخی‌نگری، حافظه تاریخی، مدنیت	۱- قطع ارتباط با گذشته و نگرش معطوف به آینده
۲- چارچوب‌گرایی، توجه ویژه به موقعیت و مکان، منطقه‌گرایی، طراحی بومی، کثرت‌گرایی، توده‌خواهی، هویت و فرهنگ شهری	۲- ساختارزدایی، جهان‌گرایی، مدل‌سازی، بی‌طرفی ارزشی، سبک و دکور
۳- کاربست سمبولیسم، استعاره‌های متن و قرائت، توجه به شهرهای قدیمی، «انسان معیار همه چیز است»، «بیشتر بیشتر است»، «شکل تابع ریا کاری»، «ردمنطقه‌بندی یا استفاده از منطقه‌بندی ترکیبی»	۳- عقلانیت تمامیت‌خواه، کارکردگرایی، استعاره ماشینی «کم بیشتر است»، «شکل تابع کارکرد»، «تعمیر کارکردی»
۴- سیاست‌گریزی، پرهیز از	۴- اعتقاد به رهایی انسان، بشردوستانه،

ابتداء عملاً در تمامی حوزه‌های فرهنگ تعمیم داده شد. معماری پست مدرن فی‌الواقع نوعی حمله، قبل از همه به معماری سبک بین‌المللی است گرچه تأکید بر ابداعات، ابتکارات و نوآوری تکنولوژیک و فنی لوکوربوزیه یا والترگروپیوس را نفی نمی‌کند لیکن برخی از ارزش‌های محوری مترتب بر پیشرفت‌های تکنولوژیک در معماری مدرن را زیر سؤال می‌برد. نظیر کلی‌گرایی، جهان‌گرایی، نسخه‌گرایی، صورت‌گرایی (فرمالیسم) (نوذری، ۱۳۷۸: ۱۶۶)

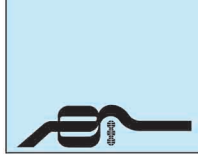
پست مدرن در واقع اشاره‌ای به مجموعه‌ای از موضوعات فلسفی - اجتماعی دارد که به امکان تدارک جهان‌شمول‌وغایی دانش و معرفت تأکید دارد (معرفت امری جهانی و عام نیست) و همچنین به خصیصه تاریخی - اقتصادی بودن داورها در مورد امور مختلف تأکید می‌رزد. به همین دلیل پست مدرنیسم‌ها از مبنای (Fundamentalism) مدرنیستی به شدت گریزان هستند. (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۹)

در واقع پست مدرن نگاهی انتقادی است به مدرنیته و از آن مهم‌تر خودآگاهی مدرنیته است. (احمدی، ۱۳۷۲: ۳۸)

اما کاربرد فلسفی پست مدرن که نمونه کامل آن را ژان فرانسوالیوتار با اصطلاح شرط یا موقعیت پست‌مدرن بیان کرده است شرط پست‌مدرن یعنی موقعیتی که در آن مدرنیته پسین با بحران‌های همه‌گیرش آشکار شده اما هنوز موقعیت تازه‌ای پدید نیامده است. در مقابل موقعیت پست‌مدرن یعنی آغاز روزگاری که در آن مدرنیته به پایان رسیده است، روزگاری که هنوز نام خود را نیافته است. شرط پست‌مدرن یا روزگار ما «پس از مدرن نیست» اما تداوم مدرن در تمامی جنبه‌هایی که مدرنیسم ساخته هم نیست بیشتر نمایانگر بحران مدرنیته و مدرنیسم است. (احمدی، ۱۳۷۳: ۲۵۸)

پست‌مدرنیسم براساس نقد مدرنیسم به موضع خرد سیاسی خود می‌رسد ولی بخش بزرگی از جهان سوم هنوز باید تمام مراحل و خصوصیات مدرنیته را تجربه کنند، زیرا مدرنیته به معنای نفوذ عقلانیت در تمام جنبه‌های هستی اجتماعی است. یعنی افراد رفتارهایشان را براساس یک نظم هنجاری که از طریق ابزارهای منطقی تعیین می‌شوند، تنظیم می‌کنند. (پیت، ۱۳۸۴: ۲۲)

در پست مدرنیسم عنصر طبقاتی مهم می‌باشد که دموکراسی شرط لازم آن است. مهندسان، معماران، دانشمندان علوم اجتماعی، نویسندگان و کسانی که عوامل فیزیکی و فکری و آموزشی شهر را تشکیل می‌دهند یعنی طبقه متوسط در مرکزیت مدرنیسم قرار دارند که در این راستا پست مدرنیسم به شهرهای بزرگ اهمیت بسیاری می‌دهد. فضای پست مدرنیستی، تغییرات در حوزه‌های شهر به ویژه در امر برنامه‌ریزی شهری و توسعه را موجب گشت که در زمان ما با دگرگون‌سازی فرهنگی و اندیشه‌کارانه همراه بوده است با رژیم انباشت انعطاف‌پذیر که یک جریان انعطاف‌پذیری را در فرایند کار تولیدات، بازار کار و الگوی مصرف به وجود آمد در واقع انباشت انعطاف‌پذیر سرمایه و پست مدرنیسم به شدت در هم آمیخت. (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۴۰-۱۳۵) پیچیدگی سازمان یافته به عنوان یک فکر به واقعیت و سبک شهرسازی جین جیکوبز، معماری رابرت و



مدرنیستها به جزییات شهر می‌اندیشند و یک نوع حالت پلوارستی (تکثرگرایی) نسبت به شهر دارند. از نظر ادوارد سوچا سه اصل کلی در برنامه ریزی پست مدرن مدنظر است. الف) قبول دیدگاه معرفتی باز و انعطاف‌پذیری به جای جستجوی راهی واحد و کامل ب) تأکید بر شناخت واقعیات اجتماعی از جمله تکثر، جدایی‌ها، قضاوت ج) بازنگری در سیاست‌های محیطی، مکان‌یابی، کاربری اراضی و... (حاتمی نژاد، حکیمی: ۱۳۸۴-۳۱)

شهرسازی متجدد با طراحی آگاهانه شهر را به صورت یک «شکل‌بسته» درصدد «تسلط» به شهر به عنوان یک «کل» می‌داند در حالی که فرامتجددین فرآیند شهری را غیرقابل کنترل و «آشفته» در نظر می‌گیرند و در آن «هرج و مرج» و «تغییر» در وضعیت‌های کاملاً «باز» عمل می‌کنند. منتقدین تجدد به کارها به عنوان نمونه‌هایی از یک «سبک» نگاه کرده و آنها را براساس «قالب بندی کلی» که در داخل محدوده سبک غالب است قضاوت می‌کنند، در حالی که سبک فراتجدد کار را صرفاً یک متن در نظر می‌گیرند و با بازی با الفاظ و گویش «خویش» خود که از نظر اصولی می‌توان آن را با هر متن دیگر صرف نظر از نوع آن مقایسه کرد. (بحرینی، ۱۳۷۸: ۹۰، ۸۹)

### جدول ۳: اختلاف بین الگوهای برنامه‌ریزی مدرنیست و

#### پست مدرنیست

اختلاف بین الگوهای برنامه‌ریزی مدرنیست و پست مدرنیست		
پست مدرنیسم	مدرنیسم	
مفهوم شهر	شهر به عنوان یک شئی:	شهر به عنوان منظره: به عنوان تبلور تنوع اجتماعی
تفکر در طراحی شهری	ادامه تأکید بر تراکم کم، نورطبیعی، منطقه‌بندی عملکردی، کاربریهای مخلوط	تنوع بیشتر، تأکید برزمینه‌های محلی کاربریهای مخلوط
تفکر در برنامه‌ریزی راهبردی	بازسازی حاشیه‌نشینی، توسعه کنترل شده از طریق حومه‌نشینی، نوشهرها و کمربندسبز	کنترل از طریق نوسازی و احیاء
نحوه تصمیم‌گیری	جامع	موردی، مقابله با تضادها

منبع: (maclod, 1996, 6)

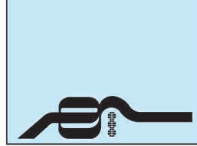
اما آنچه که در طراحی شهری (شهرسازی) مدرن و پست مدرن مشترک است ادعایی است بر سرشهر، که هر کدام می‌کوشند فضای شهری را به شکل متفاوت دگرگون سازند. بدین ترتیب می‌توانیم ببینیم که هر دو بر فضای شهری تأکید می‌کنند نه این که کلاً آن را رها کنند آن گونه که دیدگاه

دارای اهداف سیاسی، اعتقاد به پیشرفت خطی، علم، عقل، تکنیک مداری، قطعیت ایمان	جزم‌گرایی، مخالفت اتوپیا و آرمان خواهی
۵- ضدسرمایه داری، متکی به اقتدار دولت و ملاحظات گسترده دولت، سوسیالیسم دموکراتیک	۵- مخالفت اقتدارگرایی، طرفدار طرح‌های با مقیاس کوچک، اعتقاد به مشارکت مردمی، مخالفت گسترده دولت، طرفدار تمرکززدایی سیاسی، اقتصاد سیاسی لیبرال، محافظه کاری جدید
۶- هنر ابزار نیل به مقاصد سیاسی و پیشگام بودن طراح و معمار	۶- هنر در خدمت مصرف کننده، طراح و معمار واسطه و مشاور، خدمات عمومی
۷- ساخت و ساز بناهای جدید	۷- بازگشت به بناهای سنتی و قدیمی
۸- بهره‌گیری از عواطف و احساسات در خدمت مقاصد سیاسی	۸- بهره‌گیری از عواطف و احساسات اصیل خانوادگی و احترام به کانون خانواده
۹- توجه خاص به استفاده از طرح‌های جامع	۹- برنامه‌ریزی موضعی، موردی، نسبی و استراتژیک
۱۰- تأکید بر متخصصان معمار و شهرساز	۱۰- تأکید بر گروه‌های محلی و مشارکت مردمی
۱۱- برنامه‌ریزی گسترده، فراگیر و نامنعطف	۱۱- برنامه‌ریزی محدود، منعطف، چارچوب‌گرا، مشارکت مردمی و پرهیز از اتکای محض به متخصصان

طراحی شهری (شهرسازی) مدرنیستی به مسائل اجتماعی توجه می‌کند و معتقد است که فن‌آوری نوین رایج دهنده راه‌حل‌هایی برای مسایل اجتماعی اند اما طراحی شهری (شهرسازی) پست مدرن درگیر مسایل اجتماعی نیست و آن را فرای حوزه‌ی عمل و توانایی‌هایش می‌بیند و چنین ملاحظاتی را آرمان شهرگرایانه می‌داند. ادعای طراحی شهری پست مدرن این است که بستری را که طراحی در آن روی می‌دهد در اولویت قرار دهد و این نکته خلاف عدم توجه مدرنیست‌ها به بستر و بافت اجتماعی و مکان شهری موجود است. طراحی شهری پست مدرن سخن‌اش بازگشت به خیابان‌های شهر و میادین و ساختمان‌های کم ارتفاع است، برعکس دیدگاه مدرنیستی که ساختمان‌های بلند مرتبه مستقر در پارکها را مطرح می‌کرد.

(مدنی پور، ۱۳۷۹: ۲۸۷، ۲۸۸)

مدرنیست‌ها به شهر در قالب کلیت آن می‌نگریستند و یک نوع حالت جزمیت و پارادایم فضایی را در ذهن تداعی می‌کردند در حالی که پست



خود را طی می‌کند. (ترنر، ۱۳۷۶: ۱۹)

در اروپا فراتجدد (پست مدرن) بر توان بخشی و راههای شبه بومی و نئوکلاسیک که با شهرهای تاریخی سازگار بوده و خسارات وارده بر اثر توسعه شهر را جبران می‌کند تأکید دارد. گرچه فرامتجددین اروپایی از کاربریهای مخلوط و محدود کردن فضاهای خارجی حمایت می‌کند اما تأکید آنها بیشتر بر حفظ محیط طبیعی به معنی حفظ الزامات گذشته در مورد کمربند سبز و محدود کردن توسعه‌های شهری می‌باشد. (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۶)

شهرسازی فراتجدد توجه ما را به زمینه‌های شهرسازی یعنی محیط مصنوع، و تئوری و عمل شهرسازی معطوف می‌سازد. هدف شهرسازی فراتجدد به هم ریختن این زمینه‌ها و ایجاد تغییرات اساسی در آن است. به این ترتیب بازسازی فراتجدد تلاشی خواهد بود در جهت ایجاد یک «روایت اصلی» جدید برای مقوله دوباره شهرسازی در یک فرهنگ جهانی با یک تعریف جدید. (همان منبع، ص ۲۴۷) معماری فرامدرن نوعی تجلیل از چند معنایی در برابر یک تک معنایی و اعتلای زیباشناختی برگرفته از سبک‌های متفاوت معماری متعلق به دوران‌های مختلف تاریخی بود. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ در بسیاری از شهرها شاهد انبوه بناها و طرح‌های بهسازی و نوسازی هستیم که در بسیاری از آنها آگاهانه با شکوه و در عین حال با افراط کاری ساخته شده‌اند. بدین وسیله موجودیت ویژه خود را اعلام می‌کنند. (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۸۳)

پست مدرنیستها، فضا را شیئی مستقل که بیشتر جهت هدف‌های زیبایی شناختی شکل یابی می‌کند در نظر می‌آورند. با همه اینها در داخل شهرها، معماری، برنامه‌ریزی و توسعه تأکید بر مقیاسهای بزرگ، خودگرایی تکنولوژیک، کارکرد کارآمد و سبک التقاطی را در پیش می‌گیرند. زیبایی التقاطی معماری شهری دیده می‌شود ارتباط نزدیکی با عامل قدرت در مکان‌ها و شرایط اجتماعی به نمایش می‌گذارد بنابراین کنترل فضا یک مقوم اساسی در پست مدرنیسم محسوب می‌شود. (شکوئی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

پست مدرنیسم در عرصه شهرسازی و فرآیند بهسازی و نوسازی شهر بیشتر به روابط اجتماعی در شهر می‌اندیشد از جمله طرفداران این ایده در عرصه شهرسازی جین جیکوبز بود. جین جیکوبز هوادار سرسخت توجه به فضاهای عمومی در شهرسازی از جمله برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری بود و به سلامت اجتماعی و روانی انسان در محیط‌های شهری به ویژه خیابان‌ها به عنوان یک فضای شهر توجه داشت. او معتقد بود پیاده‌روها و خیابان‌ها از مکان‌های عمومی اصلی یک شهر به حساب می‌آیند و دارای عملکرد اقتصادی، اجتماعی، روانی، عاطفی برای شهروندان هستند و سرزندگی شهرها به خیابان‌ها و پیاده‌روها و کلاً شبکه گذرگاهی آن وابسته است، در نتیجه می‌توان گفت که پست مدرنیسم در عرصه شهرسازی و مسائل بهسازی و نوسازی شهری روی موارد زیر تأکید و توجه بیشتر داشت.

۱- خردباوری یا اعتقاد به نیروی عقلانی که در غرب این مشخصه به شدت مورد توجه قرار گرفت.

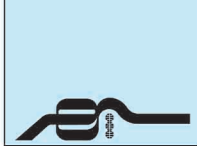
۲- توسعه رسانه‌های گروهی و ارتباطات

ضد شهرسازانه عمل می‌کند یا پیشنهادهای جایگزین برای آن را ارائه دهند آن طوری که پارادایم کوچک شهر ارائه می‌دهد، پارادایم شهری، اهمیت شهر را می‌داند و می‌پذیرد و بر سرشکل دادن به آن براساس تصویری آرمانی می‌ستیزد. این تصویر هرچه باشد و سازنده‌اش هر که باشد، بخشی از نبرد بر سر فضای همواره مورد نزاع شهرهاست به مثابه انباشت‌های بزرگ انسان‌ها و اشیاء که آن قدر مهم‌اند که نتوان رهایشان کرد. (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۲۹)

در معماری و شهرسازی پست مدرن یادگیری و استفاده از سنن بومی و کنار گذاشتن سبک‌های متحدالشکل نوگرایی مورد توجه است. در معماری و شهرسازی فرامدرن تنوع شیوه‌های محلی مورد تقدیر قرار می‌گیرد و بر اهمیت تمایز شهری تأکید می‌شود. معماران و شهرسازان فرانگرا در برابر همشکلی و کارکردی بودن شهرسازی نوگرا واکنش نشان دادند برای مثال دیوید هاروی با وجود پذیرش سبک فرامدرن به خلق «فضاهای جدید شهری» نیز توجه دارد. وی معتقد است وضعیت فرانوگرایی با توجه به تراکم فضا- زمان در سرمایه داری معاصر بهتر درک می‌شود. در چنین شرایطی وضعیت فرانوگرایی تا حد بسیاری در محیط‌های شهری بی‌مکان جدید مورد توجه قرار می‌گیرد. فضای جدید شهری بسط و تفصیل می‌یابد. (شماعی، پوراحمد: ۱۳۸۴، ۱۸۳)

معماری پست مدرن بیانگر معضلات مفهومی و انسانی متعددی است. روش آن در ترکیب و در هم آمیختن گذشته و حال در واقع همان ایده محوری مدرنیسم در عرصه ادبیات و هنر است یعنی اصول مونتاژ. بدین ترتیب این شیوه سرهم بندی، ادغام و ترکیب در پست مدرن را ابتکار یا ابداعی انقلابی و رادیکالی دانست بلکه در واقع همان چیزی است که هارونزبرگ آن را «سنت مربوط به جدید» (the tradition of the new) خواند. (نوفوری، ۱۳۸۰: ۳۶) نموده‌های اقتصادی و اجتماعی پست مدرن را می‌توان در همه کلان شهرها و مادر شهرهای در حال توسعه به روشنی مشاهده کرد. در شهرهای جهانی علاوه بر تقسیم کار، نوعی شیوه جدید نظم که از ویژگی‌های آن حذف نظارت دولت‌ها و همکاری بخش عمومی و خصوصی به نفع بخش خصوصی است برقرار می‌گردد و در این شهرها اصلاحات تجاری گزینشی یارانه‌های سنگین به تکنولوژی‌های جدید و تجارت الکترونیکی صورت می‌گیرد بدین سان چند شهر عمده جهان نقش کلیدی در گردش‌های انباشت سرمایه در نظام جهانی به عهده می‌گیرند به نظر می‌رسد که امروزه منطق سرمایه به جای علم فضایی و منطق فضایی می‌نشیند. (شکوئی: ۸۱-۷۲: ۱۳۸۰)

شهرسازی نوگرا نیز کثرت‌گرا است. جین جیکوبز در سال ۱۹۶۱ حمله‌ای بیرحمانه بر سیاست گذاری‌های مرتبط با منطقه‌بندی متعلق به شهرسازان نوگرا وارد می‌آورد. او با تفری که نسبت به ایده منطقه‌بندی بهداشتی و بیمارستان گونه مسکن، صنعت و تجارت دارد منطقه نورث‌اند شهر بوستون را تحسین می‌کند زیرا دربرگیرنده تراکم بالا و مخلوطی از کاربریهای مختلف زمین است. در مقابل شهرسازان نوگرا آن شهر را به صورت کتابی سه بعدی از مگالوپولیس می‌بینند که آخرین مراحل زوال



- ۳- رشد و گسترش عنصر طبقاتی که شرط لازم آن دموکراسی است  
 ۴- پیوند با گذشته و تداوم مدرنیسم  
 ۵- توجه به امر بصری چشم انداز شهری که اعتبار زیادی پیدا کرد  
 ۶- پیدایش و رشد ذوق و سلیقه‌های گوناگون و ترکیب و تلفیق فرهنگ‌ها  
 (شماعی و پورا احمد، ۱۳۸۴: ۱۸۸)

## نتیجه گیری

فرا تجدد بر این فرض استوار است که رابطه بین شهر و شهرسازی در اواخر قرن بیستم به طور اساسی با ۱۹۰۰، ۱۹۳۰، ۱۹۶۰ تفاوت دارد. شهر بزرگ همچون محل هیجان و ابتکار همین طور محل آلودگی و طبقات اجتماعی است. شهرسازی امروز آنچنان در ایجاد شهر قرن بیستم غرق شده است که امیدهای اولیه را مورد تحقق اصلاحات اجتماعی کاملاً از بین برده است تا آنجا که بروکراسی لازم جهت کنترل توسعه و ساختن و اداره کردن مسکن دولتی به عنوان بخشی از مسئله به شمار می‌رود. پست مدرنیسم معتقد است آنچه را مدرنیسم ساخته باید متحول ساخت و از نوع چیز دیگری بنا نهاد. به گفته رابینز حسی عمیق در این زمینه وجود دارد که شهرسازی مدرن با جهان گرایی و گرایش‌های انتزاعی همراه بود در حالی که پست مدرنیسم برانگیختن حس مکان ارزیابی مجدد و احیای آنچه که دارای ارزش محلی ویژه است سروکار دارد. در شهرسازی فرا تجدد نیز انتقادهای زیادی وارد شده است لیکن به طور کل این اعتقاد وجود دارد که فرا تجدد زمینه تحولات جدید را در شهرسازی فراهم ساخته است و رالف گفته است که انقلاب آرامی در مورد ساختن و اداره شهرها در حال وقوع است که نتیجه آن خواهد بود که معماری و شهرسازی اختناق که توسط شرکت‌های بزرگ و سازمان‌های دولتی انجام می‌شود و جای خود را به معماری متنوع‌تر و معنی‌دارتر بدهد.

و بطور خلاصه می‌توان گفت که شهرسازی پست مدرنیسم علیرغم تلاشی که در جهت خنثی کردن جنبه‌های منفی شهرسازی جدید به عمل می‌آورد خود در همان دام گرفتار می‌شود و اشتیاق فرا تجدد به مقابله با عدم حساسیت شهرسازی جدید نسبت به جنبه‌های انسانی، شیفتگی آن نسبت به ظواهر و طنز به همان اندازه آن را نسبت به جنبه‌های انسانی بی‌اعتناء می‌سازد. در پایان شاید این سؤال مطرح شود که آیا این سبک‌های موجود در شهرسازی (مدرنیسم و پست مدرنیسم) سبک‌ها و الگوهای جهانی هستند یا مربوط به منطقه یا محل خاصی می‌باشند و متناسب با وضعیت انسانی و فرهنگی هر منطقه صورت‌بندی می‌شوند؟

## منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، بابک، نگرشی فلسفی به پست مدرن، آبادی، سال سوم، شماره دهم، پاییز ۱۳۷۲.  
 ۲- احمدی، بابک مدرنیته و اندیشه انتقادی، نشر مرکز، ۱۳۷۳.  
 ۳- بحرینی، سید حسین تجدد، فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

- ۴- ترنر، تام - شهر همچون چشم انداز - ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۶.  
 ۵- حاتمی نژاد، حسین و حکیمی، هادی: جغرافیای شهری و پست مدرنیسم، مجله سپهر، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۳۸۴.  
 ۶- پیت ریچارد، نظریه اجتماعی، پست مدرنیسم و نقد توسعه، ترجمه سهراب امیریان، اسماعیل عبدالله زاده، فصلنامه اقتصاد سیاسی، سال دوم، شماره هشتم، ۱۳۸۴.  
 ۷- جنکس، چارلز - پست مدرنیسم چیست؟ ترجمه فرهاد مرتضایی، نشر مردیبر، ۱۳۷۶.  
 ۸- زیاری، کرامت‌اله - برنامه ریزی شهرهای جدید - انتشارات سمت، ۱۳۷۸.  
 ۹- زیاری، کرامت‌اله - مکتبها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه ریزی منطقه‌ای - انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۸۳.  
 ۱۰- سجادی، سید مهدی - بررسی تطبیقی هویت زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن، دو ماهنامه علمی - پژوهشی، سال یازدهم - دوره جدید شماره ۶، ۱۳۸۳.  
 ۱۱- شفیعی، حسن - پست مدرنیسم در شهرسازی - فصلنامه مدیریت شهری - سال اول شماره اول، بهار ۱۳۷۹.  
 ۱۲- شکوئی، حسین: اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.  
 ۱۳- شکوئی، حسین - جغرافیا و پست مدرنیسم - مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۴ و ۶۳، ۱۳۸۱-۱۳۸۰.  
 ۱۴- شماعی، علی و پورا احمد، احمد - بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا - انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.  
 ۱۵- کالینیکوس، آکس - نقد پست مدرنیسم - ترجمه اعظم فرهادی - انتشارات نیکا، ۱۳۸۲.  
 ۱۶- مدنی پور، علی - طراحی فضا‌های شهری (نگرشی بر فرایندهای اجتماعی - مکانی) ترجمه فرهاد مرتضایی - انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۹.  
 ۱۷- نوذری، حسینعلی - پست مدرنیته و پست مدرنیسم - انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۰.  
 ۱۸- نوذری، حسینعلی - مدرنیته و مدرنیسم - انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۱.

19- David Macleod-post-modernism And urban planning  
 September 12, 1996.